

۵ پیشنهاد مهم برای آینده دانشگاه‌ها

۳۲ دانشگاه ایرانی در نسخه آسیایی رتبه‌بندی کیو.اس ۲۰۲۵ حضور دارند

افت ۷۷ درصد دانشگاه‌های ایران

در S.Q آسیایی



فرهنگستان

دانشگاه

شماره ۴۲۴ | ۱۴۰۲ | WWW.FDN.IR

«فرهنگستان» ۸ اقدام موثر دانشگاه آزاد برای ارتباط با صنایع را بررسی می‌کند

آزاد راه به سمت صنعت



بخش پنجاه و هفتم | رنسانس ایران: دانشگاه ملی ایران و شاه

دانشجویاری اما درس و مهارت نه!

تحت عناوین مختلف سه چهار ماه از هر سال تحصیلی را مرتباً تعطیل می‌کردند.

دانشکده پزشکی دانشگاه تهران یا سد بزرگ راه ما!

در چنین اوضاع و احوالی که با نهایت اختصار اشاره شد و بیان کامل هر قسمت مستلزم نوشتن یک یا چند کتاب مفصل است، حسب قولی که از آغاز تأسیس دانشگاه داده بودم که هر سال یک دانشکده به دو دانشکده که مؤسسه را با آنها شروع کرده بودم اضافه خواهم کرد، تصمیم گرفتم سومین دانشکده، دانشکده پزشکی باشد که در حال عادی هم بدون محذورات بسیار جدی که در کار بود نصف از کل مخارج یک دانشگاه کامل (صرف نظر از مراکز تحقیقی) صرف آن می‌شود. جالب و حتی شاید غیر قابل باور این بود که نداشتن پول و فقدان کلیه وسایل مادی، مانع کار ما نبود؛ چون به اتکای مردم تردید نداشتم همه وسایل مادی را به طور کامل و اکمل فراهم خواهم کرد. مرض مهلک و جان کلام این بود که دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در اعماق مرکز قدرت جایگزین شده بود و علاوه بر دو استادش که رفیق گرمابه و گلستان و قمار شاه بودند و از نزدیک‌ترین افراد به او بودند و یک استاد دیگر که طبیب خاص ملکه بود قریب بیست نفر دیگر از استادان و دانشیاران آن دوستان و خاله خاتم‌باجی‌های اشرف و سایر برادران و خواهران شاه بودند و یک استاد دیگر نخست‌وزیر تازه معزول بود. آنقدر کار قدرت آن دانشکده بالا گرفته بود که متجاوز از ده سال بود همیشه رئیس دانشکده طب و رئیس دانشگاه تهران شخص واحد بود و هر دو سمت را یکد می‌کشید. هر کس می‌خواست دانشیار یا استاد آن دانشکده بشود تقریباً چاره‌ای نداشت جز اینکه به دربار نزدیک شود. تبحر و کارایی و کاردانی در وارد کردن مواد مخدره و امور جنسی و دلکک بازی در آوردن برای خاندان جلیل سلطنت جایگزین مدارک علمی و سوابق تخصصی شده بود. در یک سخن، تمام قدرت در دست شاه و دربار متمرکز بود و دانشکده پزشکی تهران هم یکی از نزدیک‌ترین ارکان این مرکز کل قدرت بود.

بالمطبع دانشجوی پزشکی هم شده بود اسباب دست مطامع و افکار پلید و شیطانی دربار و سازمان امنیت. معمولاً در تمام دنیا و در ایران خودمان دانشجوی پزشکی و دانشکده پزشکی از گره رقصانی‌ها و بازی‌های سیاسی گرفتن به دورند و دانشکده‌های دیگر دانشگاه‌ها گاهی وارد سیاست می‌شوند لکن در آن زمان دقیقاً دیگر دانشکده‌های دانشگاه تهران کمتر از دانشکده پزشکی به بازی‌های سیاسی گرفته شده بودند و دانشکده پزشکی مرکز ناراحتی‌ها و اعتصاب‌ها شده بود و پر درویدی تالار تشریح بسیاری مواقع دانشجویان مسلح با پنجه آهنی ایستاده بودند که از ورود سایر دانشجویان یعنی اکثریت، جلوگیری کنند و حتی با چهل از علم تشریح به یک عده دکترای طب داده شود. شاه شخصاً با کسانی که در این جنایت یعنی در تمام شئون تحصیلی و علمی دقت کنند کسی در هر سطحی از سطوح حتی در سطح تعلیمات ابتدایی چیزی نداند و فارغ‌التحصیل شود شریک و مراقب کامل بود و از هر کسی که چیزی بداند سخت می‌ترسید. بهترین نمونه کامل این رعب و وحشت او این بود که در ظرف سی و هفت سال سلطنت، نگذاشت تعلیمات اجباری در مملکت اجرا شود. برای ظاهر سازی و اغفال مردم با مشاخری چند برابر مخارج اجباری تعلیمات اجباری ابتدایی سپاه دانش به راه انداخت تا پول و وقت مملکت را بگیرد و ده‌ها میلیون تومان خرج تبلیغات کرد تا مردمی را که به چشم خود می‌دیدند و با تمام وجودشان حس می‌کردند دروغ می‌گوید راقانگ کند که ظل الله برای باسواد کردن آنها خواب راحت ندارد و عاشق ریشه‌کن کردن بی‌سوادی آنها است؛ نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا. این صاحب مرده ایران کشم بود با دیره زنگی اشرف و تنبک فخر آهنگ نجات بشریت را می‌خواند و چون تقریباً در جمیع علوم و هنرهای بشر به درجه اجتهاد رسیده بود، میان کارهای دیگر ۱۲ درجه دکترا از دانشگاه‌های مختلف دنیا از جمله هاروارد برای خودش خریداری کرده بود.

ادامه دارد...

کتاب «رنسانس ایران: دانشگاه ملی ایران و شاه» ابعاد مختلفی از جریان تشکیل دانشگاه در ایران و شکل‌گیری آموزش عالی به شکل و شمایل امروز را تشریح کرده است. کتابی به قلم علی‌شیرازی، مؤسس و رئیس دانشگاه ملی ایران که «فرهنگستان» از اوایل مرداد ماه بخش‌های مختلف آن را منتشر کرده که اکنون بخش دیگری از آن را از نظر می‌گذرانید. او پس از تشریح فضای کشور در روزگار تأسیس دانشگاه ملی و نحوه پیگیری مقدمات شکل‌گیری آن، مرحله به مرحله نحوه پیشرفت روند پایه‌گذاری این دانشگاه را با مخاطبان به اشتراک گذاشته است.

با اذعان و اعتقاد راسخ به دو مطلبی که اشاره کردم معتقد بودم (و هم اکنون هم هستم) راه ایجاد حرکت به جلو و رسیدن و حتی جلو افتادن از غافله تمدن عصر حاضر تربیت و ایجاد یک لایه قوی و مجرب به علم و دانش است که هر چه بر تعداد جوان‌های واقعا دارای تحصیلات عالی‌تر اضافه شود به همان نسبت عرضه بر استعمارگران و نوابغ عظیم‌الشان یعنی نمایندگان آنها، تنگ و تنگ‌تر خواهد شد و بر فرض مستعمره‌چی‌ها معدودی از این تحصیل‌کردگان را خریداری کنند، اگر تعداد فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها که واقعا عالم باشند و درس خوانده باشند به سال فرساضه و چهار هزار نفر رسید که نمی‌توانند تمام آنها را خریداری کنند.

همین‌ها بوده و هستند که بار سنگین رنسانس ایران را به دوش گرفته و افتان و خیزان کشیده می‌کنند. استعمارگران به نکاتی که یادآوری شد خوب آگاه بودند و به خصوص از ۱۳۲۰ که نیروهای نظامی آنها ایران را اشغال کرده و پس از آن، تا کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ زیر ضربات مهلک و خستگی ناپذیر این لایه اجتماع ایران واقع شده و زحمت فراوان دیده بودند و در موازات ده‌ها شکر دیگر جهت عقب نگاه داشتن ملت ایران درمورد تعلیمات عالی‌تر تصمیم گرفته و عمل هم کرده بودند که وجود دانشگاه آری اما علم و هنر نه، وجود استاد آری اما استاد دانشمند نه، وجود دانشجوی آری اما درس و مهارت نه؛ به عبارت دیگر دانشگاه تهران یعنی تنها مؤسسه تعلیمات عالی‌تر قابل ذکر مملکت را تبدیل کرده بودند به محلی دارای یک عده استاد بی‌صلاحیت و کم‌صلاحیت به شغل خودشان و مقامات کلیدی آن هم منحصر در دست نوکران شناخته شده خودشان بود و شغل شاغل استادان و دانشیاران تهیه و تدارک و خوش‌رقصی برای رسیدن به مقام وزارت و وکالت و اگر نشد ریاست اداره و مدیرکلی و معاونت و این قبیل امور بود و چهار نفر اهل علم هم که باقی‌مانده بودند را آنقدر گرسنگی داده بودند که از غم توشه عاشقی را فراموش کرده بودند و برای ادامه زندگانی روزانه و خرج نان و پنیر خود و خانواده‌شان مجال تفکر برای آنها باقی نمانده بود تا چه رسد به مطالعه و تحقیق و تدریس.

هر کدام برای امرار معاش به چند شغل گوناگون از جمله تدریس در دبیرستان‌ها مشغول بودند و دانشجوی بی‌سواد که هنوز نمی‌دانست سیاست و مملکت‌داری از مقوله خوردنی یا پوشیدنی است و وظایف شهرداری و شهربانی را از هم تشخیص نمی‌داد راه به دسته‌های سیاسی و زنده باد و مرده باد گفتن و عریضه‌جویی و تعطیل کلاس‌های درس و به عضویت احزاب و اجتماعات سیاسی ساخت خارجی‌ها و کارمندی ساواک گماشته بودند و شغل و مشاغلشان بازداشتن و مزاحمت از اکثریت دانشجویان بود که آمده بودند دانشگاه درس بخوانند و چیزی بیاموزند. بالجمله، دانشگاه تبدیل شده بود به بازار زمان احمد شاه و کارخانه‌ها و مراکز کارگری اوایل زمان محمدرضا شاه. البته نه برای انجام هدفی نیک از اهداف، بلکه صرفاً برای بازداشتن جوان‌ها از تحصیل و در نتیجه درجانشان مملکت و بازداشتن از ترقی و محتاج باقی ماندن ایران حتی از جهت نداشتن کسانی که بتوانند حساب دخل و خرج مملکت و شرکت نفت را رسیدگی کنند و کانالیزه کردن سیاست در مجاری و ایادی معدودی چاقوکش و خیرچین به اسم دانشجو تا به وسیله آنها، به یک تیر و نشان بزنند؛ یکی اینکه سیاست روز را در جهتی که می‌خواهند راهنمایی کنند و دیگری اینکه مخالفین حقیقی و غیرقابل ایتیان را شناسایی و به دام بیندازند.

چه خبر از دانشگاه

شهید طهرانی مقدم پایه‌گذار جریان کسب فناوری در ایران بود

مراسم گرامیداشت سیزدهمین سالگرد شهادت سردار حسن طهرانی مقدم با حضور علیرضا زاکانی شهردار تهران، دکتر محمد مهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد و حمیدرضا مقدم فر مشاور فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جمعی از علاقه‌مندان برگزار شد. دکتر طهرانچی با گرامیداشت یاد و خاطره شهادی انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت به ویژه دانشمند برجسته شهید طهرانی مقدم اظهار کرد: «۸۰ سال قبل، در مواجهه با علم و فناوری غرب، مفهومی را با عنوان دانشگاه وارد کشور کردیم. نگاه ما به دانشگاه براساس دیدگاه سنتی و برگرفته از جریان تاریخی، یک نگاه دانایی‌محور بود؛ لذا برای یونیورسیتی، عنوان دانشگاه انتخاب شد.» وی ادامه داد: «از دیرباز بر ما این‌گونه القا شده بود که «توانا بود، هر که دانا بود» و میان دانایی و توانایی یک رابطه خطی و علت و معلولی قائل بودیم اما غرب پس از انقلاب صنعتی مفهوم جدیدی با عنوان فناوری یا تکنولوژی خلق کرد. تکنولوژی خودروشنمند و خالق توان همراه با دانایی و صاحب‌سبک بود. در ایران این موضوع راه‌نیز در رابطه با دانشگاه در زین‌فقه‌ایم.» رئیس دانشگاه آزاد اسلامی خاطرنشان کرد: «در نگاه قرآنی ما میان قادر و عالم تفاوت وجود دارد. عالم خالق است و قادر فاطر. خداوند مایه‌ها را می‌سازد و قادر است و هم فاطر.» دکتر طهرانچی بیان کرد: «از علم در منطق غرب، خلاقیت و creation و از فناوری، innovation و نوآوری خلق می‌شود؛ بنابراین دو مفهوم دانایی و توانایی، دو مقوله جدا هستند.» وی تصریح کرد: «در دوران جنگ تحمیلی، دانشگاه‌های ما با سؤالاتی از جنس توانایی مواجه بودند. به یاد دارم در سال ۱۳۶۷ جمعی از دانشمندان کشور حول یکی از این مسائل گردهم آمده بودند. مسئله این بود که عراق موشک اسکات-بی را به اسکات-سی تبدیل کرده بود و در تهران فرود آورده بود. آن روز مسئله فناوری موشک پیش‌روی دانشمندان مایجاد شده بود.» رئیس دانشگاه آزاد تشریح کرد: «شهید طهرانی مقدم دانشمند برجسته‌ای بود که توانست سنت کسب فناوری را در ایران و در نظام علم و فناوری کشورمان بنا بگذارد. او مدیر پروژه نبود، او خالق دستیابی دانشمندان ما به فناوری روشنمند و نظام‌مند بود، نتیجه‌اش این بود که قطب فناوری موشکی نتوانست با موشک‌های ایران مقابله کند. شهید طهرانی مقدم بحق دانشمندی برجسته بود. او سلسله‌مراتب کسب فناوری را در کشور بنا گذاشت که به دنبال آن فناوری‌های دیگری نیز در ایران خلق شد که آیه شریفه «وَاعْبُدُوا اللَّهَ مَا اسَاطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» را معنا کرد. این فناوری‌ها کشور را صاحب توان کرد؛ لذا ما باید به این فرمایش حضرت آقا ایمان بیاوریم که ایشان بحق یک دانشمند برجسته‌ای بود که پایه‌گذار خلق فناوری در نظام علمی و فناوری کشورمان شد.»

پیام تبریک دکتر ولایتی به مناسبت فرارسیدن روز پرستار

دکتر ولایتی رئیس بیمارستان دکتر مسیح دانشوری در پیامی ولادت حضرت زینب (س) و روز پرستار را تبریک گفت. متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

هفدهم آبان ماه سالروز ولادت باسعادت حضرت زینب کبری (س) و روز پرستار، فرصت مناسبی برای قدردانی از زحمات شبانه‌روزی کادر درمان به خصوص جامعه پرستاری است.

روز پرستار تجلیل از یک قشر نیست بلکه روز تجلیل از کرامت سپیدپوشانی است که انسانیت را در سنگ صبور بودن و التیام بخشیدن به هم‌نوعان می‌بینند، تراوش زندگی از دست‌هایشان می‌ریزد و ضرباهنگ قدم‌های آنها، امید را به رگ‌های حیات جاری می‌سازد و نقاشی لبخند را بر پرده می‌نگارند.

انا لله و انا الیه راجعون

هنرمند گرامی جناب آقای داود میرباقری

درگذشت همسر مکرمه‌تان، بانوی ارجمند سرکار خانم حجی، موجب تأسف و تأثر گردید. بی‌تردید غم از دست دادن همراه سال‌ها زندگی مشترک و پشتیبان و حامی صبور و شکیبایی شما در همراهی و خلق آثار فاخری همچون «امام علی (ع)» و «مختارنامه» تا «سلمان فارسی»، سخت خواهد بود. اینجانب ضمن عرض تسلیت به جناب عالی، خانواده و بستگان محترم، برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان، صبر و شکیبایی از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

علی اکبر ولایتی